



# تفکر در فناوری

(( مهدی واحدی ))

مصرف کننده صرف است، تعلق خاطر افراطی و دفاعی از سر عصبيت از کليت فناوری خواهد داشت! و در نهايت گوشي شنوا براي آگاهي از فرصت‌ها و تهديدهاي توأمان فناوری نخواهد داشت و اندازدهندگان را دارای توهمات توطئه خواهد پنداشت.

به هر حال، فناوری و استفاده حداکثري از آن نمی‌تواند فرایندهای ناقص و ناکارآمد در عرصه تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و عمل‌کنشگران تعلیم‌وتربیت را جبران کند. به‌قول استاد محمدرضا سرکارآرانی: «اگر ما در مسیر نادرستی قدم برمی‌داریم، فناوری ما را سریع‌تر به آنجا - که غالباً دقیقاً نمی‌دانیم کجاست - می‌رساند!». بنابراین، انجام پژوهش و تحقیق درباره چپستی، بنیادها، ذات و ماهیت، کارکردها و نقاط مثبت و منفی فناوری‌ها، مددکار مدیران و تصمیم‌گیران عرصه آموزش‌وپرورش خواهد بود و البته و با تأسف باید بیان کرد، همین ضرورت، امروز مغفول‌ترین وجه تصمیم‌گیری‌ها در عرصه تلفیق فناوری‌ها با برنامه‌های آموزشی و درسی است!

توجه به این نکته نیز مهم است که مسیر بهره‌گیری از فناوری‌های جدید بسیار شبیه تجربه تاریخی و مسیر طی شده گذشته در استفاده از فناوری‌های قدیمی‌تر است. هر چقدر مؤسسات آموزشی در بهره‌گیری از فناوری‌هایی مثل رادیو، تلویزیون و رایانه و سایر ابزارهای کمک‌آموزشی موفق بوده باشند، احتمالاً مسیر توفیقات آن‌ها در استفاده از فناوری‌های جدید مثل آموزش‌های الکترونیکی و مجازی به همان شکل پیش خواهد رفت. البته این یک اصل لایتغیر نیست که الا و لابد هر نظام آموزشی که در گذشته تجربه‌های موفق نداشته، امروز هم ناموفق عمل خواهد کرد. اما اگر در اندیشه و رویکردها تغییرات جدی ایجاد نشود، به نظر می‌رسد به‌جرت می‌توان این تجربه را به‌طور جدی قابل تکرار دانست!

آموزش‌وپرورش به‌سرعت در حال مدرن شدن است و سرعت طی این مسیر در ماه‌های اخیر، به‌خصوص به دلیل بحران برآمده از همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ چند برابر شده است. البته مدرنیزه شدن آموزش‌وپرورش الزاماتی دارد که با عنایت به شرایط بومی و ارزشی باید به آن‌ها ملتزم بود. صرف بهره‌گیری از فناوری‌ها و ابزارها در زمینه آموزش‌های الکترونیکی و مجازی، بدون توجه به بنیادها، اندیشه‌ها، فرایندها و ویژگی‌های این فناوری‌ها و ابزارها، حاصل مطلوب نخواهد داشت!

در اساس، جداسازی «فن» از «فکر» نهفته در نهان آن، امری غیرعلمی و از سر ناآگاهی از ماهیت و ذات فناوری است و آسیب‌های جدی فرهنگی و اجتماعی را در جوامع صرفاً کاربر در این زمینه در پی دارد! برای سازگار کردن نظام تعلیم‌وتربیت با فناوری‌های مرتبط با این حوزه - یعنی آموزش‌های الکترونیکی و مجازی - و ایجاد شرایط زیست مؤثر آموزشی و تربیتی، باید به تحقق زمینه‌ها و توسعه اندیشه‌ها همت گماشت. بدون فهم ریشه‌ها و کارکردهای عمیق فناوری نمی‌توان بهره‌بردار موفقی از آن بود! توسعه ابزاری صرف، بدون توجه به بافتار و زمینه‌ها، چه‌بسا در نهایت به ایجاد شکاف‌های عمیق دیجیتالی و بازتولید طبقاتی برخورداری یا نابرخورداری از فناوری در جامعه منجر شود.

فراموش نکنیم، هیچ فناوری و هیچ ابزار فناورانه‌ای را توان نشستن بر جایگاه یک فلسفه آموزشی نیست! فناوری‌ها در بطن فلسفه‌های پشتیبان عمل می‌کنند. ناآگاهی از اندیشه‌های نهفته در پس فناوری‌ها به استفاده خوش‌بینانه صرف و بی‌توجه به جنبه‌های احتمالی آسیب‌زای آن در بافت‌های گوناگون فرهنگی منجر می‌شود و حتی بالاتر، کاربری که خود در تولید و توسعه فناوری‌ها نقشی ندارد و واردکننده و



در دوران حاضر و متأثر از پیشرفت‌های فناوریانه، چالش‌هایی رخ عیان کرده‌اند از جمله: لزوم تطابق و تغییر مناسبات انسانی متناسب با توسعه فناوری‌های نوین، ویژگی‌ها و انتظارات نسل جدید یادگیرندگان، تغییرات الگوار (پارادایمیک) از آموزش به یادگیری، تحول از کلاس درس به محیط یادگیری و... متناسب با این چالش‌ها و ضرورت‌ها، برای مصون ماندن از آسیب‌های مواجهه غیراندیشمندانه با فناوری‌ها و دچار عقب‌ماندگی‌های تاریخی نشدن در این زمینه، آنچه را لازم است می‌توان چنین سیاهه کرد: تبیین علمی و فلسفی فناوری، اصلاح سیاست‌های آموزشی غیر اثربخش، تجدیدنظر در رویکردهای سنتی ناکارآمد، سامان‌دهی مجدد محتوا و غنی‌سازی آن‌ها براساس نیازهای روز، بازنگری جدی در منابع مالی و پشتیبانی، بازآموزی معلمان، آموزش والدین و توجه جدی به تربیت فناوریانه یادگیرندگان.

در این شماره از مجله رشد فناوری آموزشی، در قالب پرونده ویژه، به موضوع کاربرد فناوری در نظام آموزش و پرورش کشور پرداخته شده است و از منظر آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای عملیاتی مطالبی تدوین شده‌اند که امیدواریم مورد استفاده مخاطبان و خوانندگان گرامی قرار گیرد.